

بنیادگرایی غربی

مترجم: پرنیان

توضیح مترجم: این نوشته برگردان مقاله‌ای است از جرج مونیوت که در روزنامه گاردین در تاریخ ۲۰۰۱،۱۲،۲۱ و مبارزه طبقاتی در نروژ در تاریخ ۲۰۰۱،۱۲،۱۸ به چاپ رسید. پرنیان

دوره پیش از عصر روشنگری از دوره بعد از عصر روشنگری شکست خورد. در هنگامی که آخرین جنگ‌جوه‌های بنیادگرا در کوه‌های شرق افغانستان شکار می‌شوند، کامل‌ترین تلاش جهان برای تسلی نوگرایی به شکل اتم‌های ریز شکسته شده است. اما برخلاف چیزی که تقریباً همه ادعا می‌کنند این پیروزی‌ای برای تمدن نیست. طالبان توسط رژیم در هم شکسته شده که به ارزش‌هایی پشت می‌کند که گویی مدافع آن‌ها است.

در ویرجینیای غربی دختری ۱۵ ساله علیه بالاترین مقامات قضایی این ایالت مبارزه می‌کند. هفت هفته قبل «کت سییرا» (Kate Sierra) از دبیرستان سیس‌سونویل در چارلستون اخراج شد. او دو خلاف وحشتناک مرتکب شده بود. اولین خلافش این بود که با یک تی‌شرت که نوشته‌ای بر رویش داشت، وارد مدرسه شده بود: «علیه بوش. علیه بن لادن» و «وقتی که مرده‌ها و بچه‌های رو به مرگ افغانی را در تلویزیون دیدم. دوباره احساس نویی از امنیت ملی به دست آوردم. خدا امریکا را ببخشد.» مدیر مدرسه معتقد بود که کار «کت» موجب اخراج در کار تدریس دیگر دانش‌آموزان گردید. مدیر مدرسه این‌طور توضیح داد: «برای دانش‌آموزان من، مفهوم آناش‌چی چیز مخوف و اشتباهی است». دادگاه شهر، رای مدیر را تایید کرد و در اواخر نوامبر شورای عالی قضایی از رسیدگی به پرونده او دایر بر دفاع از آزادی بیان امتناع کرد.

«کت» تنها یکی از چندین جوان مسیحی‌ای است که برای اساسی‌ترین آزادی سیاسی «آزادی بیان» مبارزه می‌کنند. چند روز قبل از این‌که «کت» از مدرسه اخراج شود، یک دانشجوی جوان ۱۹ ساله به نام ا ج برون (AJ Brown) در (Durham Tec) در خانه خود را باز کرد و با سه مامور امنیتی در بیرون خانه مواجه شد. آن‌ها اطلاعاتی در این باره گرفته بودند که وی دارای «مواد ضد امریکایی» است. بعضی‌ها روی دیوار خانه‌اش پلاکات‌هایی با شعارهایی بر علیه بوش درباره استفاده از مجازات مرگ دیده بودند. آن‌ها هم‌چنین از او پرسیدند که آیا او مایل به تبلیغات برای طالبان است.

ممنوع کردن همبستگی

در ۱۰ اکتبر از ورود نیل گودفری (Neil Godfrey) به داخل هواپیما برای پرواز از فیلادلفیا به فنکس ممنوعت به عمل آمد به این دلیل که رمانی از نویسنده‌ای آناش‌چیست

به نام ادوارد ابی (Edvard Abby) با خود داشت. در ابتدای نوامبر نانسی اودن (Nancy Oden) «یک فعال ضد جنگ» که در راه کنفرانسی بود از طرف سربازانی که به سلاح اتوماتیک مجهز بودند در فرودگاه بانگور (Bangor) در مین (Maine) محاصره شد و مانع ورود او به هواپیما شدند. با این عنوان که او خطر امنیتی دارد. این اعمال، و تعداد زیاد دیگری از همین نوع، در تکمیل دو خط جدید معنی می‌یابند.

اول این که چگونه حکومت‌هایی که از جنگ در افغانستان حمایت می‌کنند، در حال کنار گذاردن بعضی از آزادی‌ها و حقوق هستند. قانون جدید ضد ترور امریکایی و بریتانیایی، هم‌پای با حق به تازگی اجرا شده سازمان سیا مبنی بر قتل، ذکر شده است. برنامه‌های اجرا شده از طرف متحدان دیگر، کم‌تر شناخته شده است. برای مثال، در جمهوری چک بر روی قانون جدیدی کار می‌شود که اگر شخصی درباره حملات نیویورک سمپاتی‌اش را بیان کند با خطر محاکمه و مجازات مواجه می‌شود. حتی اگر کسی با این شخص همبستگی نشان دهد، گرفتار همین خطر خواهد شد. یک روزنامه‌نگار «چک» به نام توماس پسینا (Tomas Pecina) که برای مجله بریتانیایی لیستی (Listy) واحد پراگ کار می‌کند اکنون دستگیر و متهم شده است که درباره استفاده از این قانون انتقاد کرده است. با این استدلال که وی بعداً از تروریسم حمایت خواهد کرد.

دیگری پیشرفت‌های هولناک در عرصه تکنولوژی مراقبت، از آن نوعی که در افغانستان با راندمان بالا مورد استفاده قرار گرفته است. هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین که می‌تواند ماشین‌های طالبان را تعقیب کند و انسان‌ها را در پشت ۱۰۰ متر سنگ پیدا کند، هم ترس و هم تحسین را بر می‌انگیزد. تکنولوژی این‌چنینی در ترکیب با مراقبت ویدئویی، برنامه‌های کامپیوتری بازشناسی چهره، پست الکترونی، استراق سمع، میکروفون، دانش تحقیقات، مراقبت از معاملات مالی و متصل‌سازی پایگاه‌های عمومی کامپیوتری به دولت این امکان مطمئن را می‌دهد که در صورت نیاز، برای استفاده خود از آن می‌تواند تقریباً هر حرکتی را که ما انجام می‌دهیم و هر حرفی که ما بیان می‌کنیم؛ تعقیب و پی‌گیری کند.

قدرت مطلق

همین‌که این موضوع را مدت کوتاهی پیش، برای یک عضو پارلمان از حزب کارگر عنوان کردم، لبخند مضحکی زد و گفت که این «کاملاً مسخره است» که بگوییم که تکنولوژی بهتر می‌تواند با خود مراقبت‌های امنیتی جمعی را در بریتانیا به‌همراه داشته باشد. ما بر علیه تعدی دولت مصون هستیم نه فقط از طریق پارلمان، بلکه از طرف همه چارچوب‌های اجتماعی که دولت در داخل آن کار می‌کند. جامعه مدنی «بورژوازی» باید مطمئن باشد که این تکنولوژی در «دست‌های دیوانه» قرار نخواهد گرفت.

اما آن‌چیزی که در امریکا شاهدش هستیم، این است که واکنش جامعه، که زمانی می‌توانست از حقوق شهروندی و آزادی دفاع کرده باشد، سریع به عکس خود تبدیل

شده است. اخراج «کت سییرا» از طرف مدرسه پیشنهاد شد و از طرف دستگاه قضایی تایید شد. مامورانی که از ورود فعال ضدجنگ به هواپیما ممانعت به عمل آوردند، از طرف شرکت هواپیمایی مورد کمک قرار گرفتند. دانشجویی که برای پلاکات مخالف متهم شد، احتمال دارد از طرف یکی از همسایگان لو رفته باشد. دولت سلاح «آتشانداز» را به طرف قانون اساسی نشانه می‌گیرد و جامعه مدنی «بورژوازی» با دمیدن در آن مداخله می‌کند.

از این وحشت دارم که این تازه آغاز کار باشد. تکنولوژی جدید مراقبت که در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت، فقط قسمتی از دکترین غلبه (کنترل) کامل (Full-Spectrum dominance) امریکا است. این مشخصه در آغاز فقط روابط نظامی را پوشش می‌داد: نیروهای مسلح تلاش می‌کردند که در دریا، خشکی، هوا و فضا به کنترل کامل نائل آیند. اما شاید به خاطر این که این کار در عمل، زیاد سخت نبود، این ویژگی شروع به استفاده هر چه گسترده‌تر خود کرد، بعد از این که سیاست تجاری، مالیاتی و پولی، و یا ترکیبی از حکومت‌های «غیر دوست با غرب» و فعالیت‌های اپوزیسیون دوباره تعبیر به روابط امنیتی می‌شوند. یک مترادف برای «تز کنترل کامل» همانا قدرت مطلقه است.

بنیادگرایی جدید

به طبع، اختلاف مهمی بین ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر وجود دارد. امریکا به خود به عنوان ملتی زخمی نگاه می‌کند، و تعداد زیادی از جمعیت آن خود را غیرامن و در معرض خطر می‌بینند. اما موقعی که منتخبین ترسوی مردم ما تلاش می‌کنند که از قربانیان تفتیش عقاید (۱) (Torquemada) بلر فاصله بگیرند، مقامات وزارت قرون وسطایی دادگستری خودشان را آماده می‌کنند که هیئت منصفه را با یک قاضی بدون تحصیلات قضایی که الان می‌تواند به عنوان پیشروترین موسسه مانع علیه قدرت مطلق حکومت باشد، منسوخ کنند.

تناقض پروژه روشنگری این است که این پروژه جهان‌شمول، اصل و اساس در فردگرایی دارد. اعتبار عمومی حقوق بشر، به زبان دیگر می‌تواند از طریق «گونگونی عقاید» دفاع شود. بیش‌تر آزادی‌هایی که به ما اجازه می‌دهند که عدالت را برای کل انسانیت بخواهیم (حق زندگی خصوصی، حق آزادی بیان، عقیده و آزادی حرکت) شامل نوعی جدایی از جامعه‌ای با ارزش‌ها و هدف‌های مشترک است.

تنگ نظری

آن‌هایی که تلاش می‌کنند که آزادی‌های ما را نابود کنند؛ مدعی‌اند که از فردگرایی دفاع می‌کنند، در واقع، آن‌ها در همان هنگام افکار و اعمال یک سویه و هم‌رنگی تولید می‌کنند که در جهت بنیادگرایی جدیدی حرکت می‌کند. این امر نتیجه اجتناب‌ناپذیر ادغام دولت و قدرت سرمایه است. همان‌گونه که آدام اسمیت به ما نشان داد سرمایه

به طور مدام برای انحصار تلاش می‌کند. دولت که با قوانین ساختمان و مساحت، امتیازات مالیاتی و تبلیغات دیواری از سرمایه دفاع می‌کند؛ اطمینان می‌دهد که بیشتر ما در همان فروشگاه‌ها خرید می‌کنیم، در همان رستوران‌ها غذا می‌خوریم و همان پوشاک را می‌پوشیم. سازمان جهانی تجارت، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همان نسخه اقتصادی و سیاست پیشه و کار را در همه جای دنیا می‌نویسند، و این امکان را به کنسرن‌های بزرگ می‌دهند که تحت شرایطی یکسان در همه جای دنیا به کار بپردازند. بعضی از آن‌هایی که با این نظم عنان می‌ورزند و شعار و علامت خود را روی تی‌شرت‌های خود می‌نویسند از طرف دولت تعقیب می‌شوند. تنگ‌نظرهایی که چشم‌ها را به این امر جلب می‌کنند، همراه با توانایی مراقبت جزء جزء زندگی ما، نشان می‌دهد که شاهد به وجود آمدن نوع جدیدی از کنترل سیاسی هستیم. کنترلی که از فرط موفقیت برخویش می‌بالد و ممانعتی را از سوی ناموافقین و مخالفین مواجه نمی‌شود. هیچ چیز بقای «ارزش‌های غربی» را، آن‌چنان که پیروزی غرب تهدید کرده، تهدید نکرده است.

(۱) Torquemada ژنرال مفتش اسپانیایی (۱۴۲۰-۱۴۹۸)

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>